

سر مقاله

آوردن این همه دارایی به تیرس که ایران

ادامه از صفحه ۱

... رئیس جمهور آمریکا در مواضع و تهدیدهای چند روز اخیر خود بدون هیچ اشاره‌ای به مسائل دیگر، صرفاً از «توافقی» می‌گوید که به گفته او اگر تهران آن را ندهد حمله صورت می‌گیرد.

موضوع این توافق هم حول محور سه پرونده کلیدی برنامه هسته‌ای، موشکی و سیاست‌های منطقه‌ای می‌چرخد شروطی را هم که مطرح می‌کند حکایتگری و بیشتر به منظور «نه گفتن» طرف مقابل است تا پذیرش آن و دستیابی به توافق.

اکنون این پرسش در ذهن همه نقش بسته است که سرانجام، حمله می‌شود یا خیر. واقعیت تلخ این است که هم اکنون هم جنگ سختی در جریان است و نسل‌های آن را در دلا ۱۶۲ هزار تومانی و بی‌ثباتی در بازارهای اقتصادی می‌توان دید. همین وضعیت اقتصادی و معیشتی صرف نظر از عوامل درونی و بیرونی آن خود شکلی مهم از اشکال یک جنگ ویرانگر است.

اسا این که این جنگ، رنگ و بوی امنیتی و نظامی دیگری هم پیدا می‌کند یا نه، می‌توان تحرکات دیپلماتیک اخیر برای کاهش تنش را «دیپلماسی لحظات آخر قبل از جنگ» توصیف کرد. در این میان، رفتار ترامپ بیشتر شبیه همانی است که قبل از جنگ ۱۲ روزه داشت. از این رو، به احتمال زیاد دیر یا زود حمله و انتقالی مهم در راه است و اما آنچه نامشخص و مبهم می‌باشد ماهیت و چند و چون حمله است.

واقعیت هم این است که امروز در چنین فضایی و در سایه این لشکر کشی، دیگر غافلگیری در اصل وقوع حمله نیست؛ بلکه غافلگیری در تاکتیک‌ها و شیوه‌هایی است که به کار خواهد گرفت. در واقع ترامپ به این تاکتیک‌ها به عنوان «یرگ برنده» خود می‌نگرد.

آنچه واقعیت است این که دستکم در عرصه تصمیم‌گیری ترامپ به دنبال یک جنگ منطقه‌ای گسترده نیست؛ اما در عین حال، به دنبال اهدافی «بزرگ و کلان» است.

هنوز روشن نیست که ترامپ چگونه می‌خواهد با ضرباتی سهمگین و سریع در بازه زمانی محدود هم واکنش طرف مقابل را کنترل کند و در عین حال، منابع جنگی بزرگ و ثبات گسترده آن شود و نیز به اهداف خود برسد. ایجاد توتوز در چنین معادله‌ای در نوع خود بسیار سخت و دشوار است.

اینجاست که ابهامات و سوالات زیادی شکل می‌گیرد و حل این معما می‌تواند ما را به تاکتیک غافلگیر کننده‌ای که ترامپ در پیش خواهد گرفت رهنمون کند.

در حقیقت کشاندن این همه نیرو و تجهیزات جنگی به منطقه و در نزدیکی ایران سوای این که قدرت آمریکا را به نمایش می‌گذارد، اما در عین حال هم آن‌ها را در تیرس حملات موشکی و پهپادی ایران قرار می‌دهد و اینجاست که نیروها و تجهیزات از همان سطح چتر پادفندی چند لایه اسرائیل در جنگ گذشته هم برخوردار نیستند. با این حال، بعید است که ترامپ بدون حساب و کتابی کور کورانه این نیروها را به منطقه فرستاده باشد.

از این رو این پرسش مطرح می‌شود که این اطمینان خاطر ترامپ از کجاست؟ آیا از نوع واکنش از ایران یا سلب قدرت واکنش آن یا به کارگیری تکنولوژی یا سلاح‌های خاصی مطمئن است؟ آیا اساسا تصمیمی برای درگیر کردن این نیروها ندارد؟ آیا «علا» به دنبال تشدید وضعیت جنگی با ایران و محدود کردن تجارت خارجی و به تبع آن تعمیق بی‌ثباتی اقتصادی است؟

آیا در سایه سکوت عجیب تل‌آویو، حمله اصلی را اسرائیل می‌خواهد انجام دهد و گسیل این نیروها نوعی چتر حمایتی برای تاثیرگذاری بر سطح پاسخ تهران است؟ و چندین اما و اگر پرسش دیگر.

در کل می‌توان گفت که حمله احتمالی ممکن است که در لیتا ترکیبی از عملیات امنیتی و نظامی باشد. بعید نیست که در صورت شکل‌گیری معادله مد نظر آمریکا، پلان بعدی آن محاصره دریایی باشد و از این جهت هم به احتمال زیاد نیروی دریایی ایران جزو اهداف اصلی هر گونه حمله احتمالی باشد.

در چنین وضعیتی اما اگر چنانچه ترامپ برنامه ریزی کرده است، حمله‌اش نتواند واکنش احتمالی ایران را قیل از کنترل کند، ممکن است یک رویارویی سنگین رخ دهد و کار به جنگی منطقه‌ای کشیده شود.

در پایان هم ذکر این نکته خالی از اهمیت نیست که جنگ علیه ایران که گسترش محور نظامی آمریکا در منطقه در بازل و بازی بزرگتر، بخشی از راهبرد محاصره اقتصادی چین از دریایی کالیفرنیا تا خلیج فارس است. در واقع، آمریکا با ترامپ به دنبال تصاحب کلون‌های نفت و گاز جهان در چارچوب منازعه خود با چین است. احتمالاً در آینده هم عراق و روایت نفتی عربستان و چین هم برود.

صابر گل‌عنبی
Alborz.payam@gmail.com

پیام آشنا گزارش می‌دهد
اروپا روی ریل بحران؛ قمار سیاسی با پیامدهای انرژی و امنیت

مواجه است، به‌جای تمرکز بر حل مسائل داخلی و بازتعمیر نقش مستقل خود در نظم جهانی، درگیر سیاست‌هایی شده که هزینه‌های آن بیش از منافعش خواهد بود.

توهم مهار بحران

اروپا در شرایطی به افزایش فشار علیه ایران روی آورده که منطقه غرب آسیا یکی از حساس‌ترین دوره‌های خود را پشت سر می‌گذارد. هرگونه تشدید تنش با ایران، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و نقش در معادلات انرژی و پیوندهای منطقه‌ای، می‌تواند دامنه بحران را با سرعت گسترش دهد. تصور اینکه اروپا می‌تواند از دور نظاره‌گر چنین بحرانی باشد و از پیامدهای آن مصون بماند، نوعی خطای محاسباتی است.

ثامنی در مسیرهای انرژی، گسترش بی‌ثباتی منطقه‌ای و تشدید رقابت‌های نظامی، در نهایت مستقیماً منافع اروپا را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این منظر، سیاست کنونی نه‌را می‌توان «حجرت» اروپا، بلکه مسیری پرخطر است که می‌تواند این قاره را نیز در معرض تبعات یک بحران فرارگیر قرار دهد. در مجموع، اقدام اخیر اتحادیه اروپا را باید نه یک تصمیم مقطعی، بلکه بخشی از روندی دست‌کمابسی‌سازی مفاهیم حقوقی، تضعیف اصول بین‌المللی و تشدید تقلیل‌ها همراه است. مسیری که اگر اصلاح نشود، بیش از آنکه ایران را تحت فشار قرار دهد، بنیان‌های ثبات و امنیت را در مقیاسی گسترده‌تر با تهدید مواجه خواهد ساخت.

علیه ملت‌های منطقه و برخورداری دوگانه با مقوله ترویرسم، نشان‌دهنده استانداردهای دوگانه‌ای است که اعتبار اعلانات حقوق بشری غرب را با چالش جدی مواجه کرده است. این تضاد به وضوح در برخورد اروپا با رژیم صهیونیستی نمایان است؛ رژیمی که در طول سال‌ها با اقدامات نظامی و گسترده، حقوق فلسطینیان را نقض و نسل‌کشی صورت داده، اما در قلموس اروپایی‌ها و غربی «ترویرسم» تلقی نمی‌شود. چنین رویه‌ای نشان می‌دهد که معیارهای اروپا در تعریف ترویرسم، سیاسی و وابسته به منافع کشورهای غربی و متحدانشان است، نه بر اساس اصول بی‌طرف حقوق بین‌الملل و عدالت‌انسانی.

وابستگی راهبردی اروپا و افول استقلال سیاسی

اروپا در حالی در محافل بین‌المللی از استقلال راهبردی سخن می‌گوید که در عمل، در پرونده‌هایی مانند ایران نشان داده توان ایستادگی در برابر فشارهای آمریکا را ندارد. همسویی تحریم‌های جدید با سیاست‌های واشنگتن، این تصور را تقویت می‌کند که اتحادیه اروپا در موضوعات حساس امنیتی و ژئوپلیتیک، همچنان که با سیاست‌های آمریکا کلان حرکت می‌کند، این وابستگی، نه‌تنها به افزایش قدرت اروپا منجر نشده، بلکه روند فرسایش جایگاه سیاسی و راهبردی آن را تشدید کرده است. قاره‌ای که با چالش‌های عمیق اقتصادی، انرژی و امنیتی

در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، پروژه‌های بی‌نیاساز خارجی را تا کما گذاشته است. تشدید فشارهای اقتصادی و امنیتی از سوی اروپا بیش از آنکه ریشه در نگرانی‌های حقوق بشری داشته باشد، واکنشی به همین ناکملی‌ها از بی‌نیاسی می‌شود.

برچسب‌زنی سیاسی و تضعیف حقوق بین‌الملل

قرار دادن سیاه پس‌انداز در فهرست گروه‌های تروریستی، در حالی صورت می‌گیرد که این نهاد نقش تعیین‌کننده‌ای در مبارزه با تروریسم منطقه‌ای، به‌ویژه در مقابله با داعش و جریان‌های تکفیری داشته است. چنین اقدامی، بیش از آنکه یک تصمیم حقوقی باشد، یک برچسب‌زنی سیاسی با اهداف راهبردی است. اقدامی که مرز میان نهادهای رسمی دولتی و گروه‌های غیردولتی مسلح را مخدوش کرده و یک رویه خطرناک در روابط بین‌الملل ایجاد می‌کند.

بدعتی از این دست، اگر نهدینه شود، می‌تواند هر نیروی نظامی رسمی در هر کشوری را در معرض برچسب‌های سیاسی قرار دهد و عملاً ساختارهای حقوق بین‌الملل را تضعیف کند. نتیجه چنین روندی، گسترش بی‌اعتمادی، افزایش ناامنی و حرکت تدریجی جهان به سمت تنش‌های گسترده‌تر خواهد بود. از سوی دیگر، ادعاهای ضدتروریستی اروپا با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارد. فعالیت برخی گروه‌های ضدایرانی در خاک اروپا، اسکودر در برابر جنایات سازمان یافته

اختصاصی پیام آشنا- تصمیم اخیر اتحادیه اروپا برای اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران و طرح موضوع تروریستی نامیدن سیاه پس‌انداز انقلاب اسلامی، صرفاً یک اقدام سیاسی مقطعی با واکنشی دیپلماتیک نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تلاطم یک خصومت ساختاری و ریشه‌دار غرب با ملت ایران است. مسیری که اروپا در پیش گرفته، نه‌تنها کمکی به ثبات منطقه‌ای نمی‌کند، بلکه بدعتی خطرناک در نظام بین‌الملل ایجاد می‌کند که پیامدهای آن در نهایت بیش از ایران، متوجه خود اروپا خواهد بود.

اروپا این اقدام را با ادعای دفاع از حقوق بشر و حمایت از مردم ایران توجیه می‌کند. اما تجربه چند دهه گذشته، به روشنی نشان داده است که تحریم‌ها در عمل مستقیماً زندگی ملت‌ها را هدف قرار می‌دهند. نه دولت‌ها را فشارهای اقتصادی، محدودیت‌های مالی و اختلال در مبادلات انسانی و دارویی، پیش از هر چیز مردم عادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین شرایطی، تحریم‌های جدید و تلاش برای تروریستی نامیدن بخشی از نیروهای مسلح رسمی و قانونی جمهوری اسلامی ایران، در واقع تهدیدی علیه امنیت عمومی و ناپدیدگرفتن اصل بنیادین حق حاکمیت ملی کشورهاست.

این رویکرد را نمی‌توان «دفاع از مردم» نامید؛ بلکه باید آن را اقدامی خصمانه و سیاسی در برابر نسجام ملی ایرانیان دانست. تسلیحاتی که در مقلع مختلف و با حضور آگاهانه مردم

استاندار البرز خبر داد

سه هزار و ۶۱۰ پروژه در البرز آماده بهره برداری است

استاندار البرز گفت: سه هزار و ۶۱۰ پروژه در این استان برای گرامیداشت ایام الله دهه فجر آماده بهره برداری شد.



به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی و امور بین‌الملل استانداری البرز، محبتی عبداللهی افزود: این استان با سه هزار و ۶۱۰ پروژه رتبه نخست کشور را از نظر تعداد پروژه‌های دهه فجر به خود اختصاص داده و نگاهما را به یکی

جدی دولت برای پاسخ به مطالبات مردم و جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته در این استان است.

وی خاطر نشان کرد: برای این پروژه‌ها بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد ریال اعتبار هزینه شده و در کل آن، عملیات اجرایی ۶۴ پروژه کلان نیز با نیاز اعتباری بالغ بر ۹۰۰ هزار میلیارد ریال آغاز می‌شود که نقش مهمی در آینده توسعه استان ایفا خواهد کرد.

عباسی در شورای آموزش و پرورش البرز: جهاد تبیین درمان درد امروز جامعه است

دیگری از سخنان خود با اشاره به شعارهای غلط درباره نبود آزادی در ایران، آن را نادرست خواند و گفت: در بسیاری از کشورهای مدعی آزادی، حتی بحث‌های تاریخی و انتقاد از جنایات‌های ضد بشری به شدت تحت کنترل است و تخم مه‌دیده استغذباری بابت یک اظهار نظر نسبت به جنایات ضد حقوق بشری در غزه نزدیک به یک سال در زندان است و ادعا دارند که مدافع حقوق بشرند ولی در ایران با وجود همه آزادی‌ها و باز بودن فضای نقد و آزادی بیانی که وجود دارد با روایتگری نادرست اتهام ضد حقوق بشری می‌زنند.

وی دهه فجر را فرصت مناسبی برای تبیین دستاوردهای انقلاب و عملکرد مسئولان دانست و از همه مدیران و مسئولان خواست در این ایام، بیش از پیش در میان مردم حضور یابند و دستاوردهای استانی و ملی را به زبان ساده برای مردم توضیح دهند.

عباسی در پایان با تأکید بر لزوم حمایت از دولت، گفت: رهبر معظم انقلاب فرموده‌اند موفقیت دولت، موفقیت نظام است. ممکن است انتقاداتی وجود داشته باشد، اما نباید تلاش جمعی و مدیران را نادیده گرفت. بیاییم در دهه فجر، دستاوردها و کارهای خوب را بزرگتر کنیم و اشتغال را عمل به وظایف و شرمندة خون شهدا نشویم.



بزرگان علمی و جهادی که مرزهای دانش را در کشور جبهه‌جا کرده‌اند، باید به درستی به جوانان و نوجوانان ما معرفی شوند.

وی با انتقاد از بزرگنمایی نقاط ضعف و کوچک‌نمایی دستاوردها در فضای عمومی، یک اتفاق کوچک را تقدیر کرد که کشور در مرزهای دانش و فناوری پیشرفت‌های بزرگی مانند پرتاب ماهواره به فضا داشته که در جهان بی‌نظیر است. با برخورد و انتشار مناسبی پیدا نمی‌کند ولی یک اتفاق کوچک از تقدیرها در کشور انتشار داشته است.

رئیس مجمع نمایندگان البرز با اشاره به برخی بازدیدها از مدارس در آغاز سال تحصیلی، گفت: برخی دانش‌آموزان ما وقتی در معرض پرورش در رابطه با بزرگان عرصه‌های مختلف و شهیدانی مانند «کاملی آشتیانی» یا «شهریاری» قرار می‌گیرند یا ساکت هستند یا پلشتخان عدم شناخت این افراد است، این

علیرضا عباسی، نماینده مردم کرج، فردیس و اشتهاد در مجلس شورای اسلامی، چهارشنبه در شورای آموزش و پرورش استان البرز، در سخنانی با تیریک انبیا ماه شعبان و ایام الله دهه مبارک فجر، بر عمل به فرمان جهادی مقام معظم رهبری در زمینه «جهاد تبیین» تأکید کرد و گفت: این فرمان، درمان درد امروز ماست و اگر درست انجام شود، بسیاری از مشکلات جامعه برطرف خواهد شد.

به گزارش پیام آشنا، وی با بیان اینکه دشمنان در صدد کتمان دستاوردهای نظام اسلامی و ضریب دادن به برخی نقاط ضعف احتمالی در سطح گسترده هستند، اظهار کرد: ما نباید در بازار دشمن بازی کنیم. هرچند ضعف‌ها و نقص‌هایی وجود دارد، اما ضریب دادن و انتشار آنها نباید به گونه‌ای باشد که تمام قوت‌های نظام زیر سؤال برود. باید در ایام دهه فجر دستاوردهای کشور و استانی دولت و نظام اسلامی به تفکیک و متناسب با جوامع هدف مشخص، تبیین گردد.

عباسی با اشاره به حضور برخی نوجوانان و جوانان در افتخارات کشور و این موضوع را «درنناک» خواند و افزود: جای تأسف است که کوفتلی ما در عمل به وظایف تبیینی و روایتگری صحیح از شرایط گذشته و حال کشور